انترناسیونال ۵۵۶

**یادداشت های هفته**

**حمید تقوائی**

**دستگیری های اول مه و مبارزه برای افزایش دستمزدها!**

دستگیریهای اول مه، هم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و هم جنبش کارگری برای افزایش دستمزدها را وارد فاز تازه ای میکند: فاز تعرض و پیشروی بیشتر!

دستگیری فعالین کارگری در اول مه نشانه ضعف و درماندگی حکومتی است که حتی از فراخوان تجمعات کارگری وحشت دارد. این دستگیریها پاسخ زبونانه حکومت به جنبش افزایش دستمزدها و کمپین چهل هزار امضا است؛ عکس العمل تدافعی حکومت به جنبش علیه فقر و فلاکت و شرایط انفجاری جامعه زیر فشار بیکاری و گرانی و تورم کمر شکن است. حکومت میداند مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها خواست برحق توده های مردمی را نمایندگی میکند که قدرت تحمل وضع موجود را ندارند. و چاره را مثل همیشه در دستگیری و اعمال فشار بر فعالین کارگری یافته است. این تلاش حکومت را باید به عکس خود تبدیل کرد. جنبش افزایش دستمزد و کمپین چهل هزار امضا باید با قدرت خواستار آزادی دستگیر شدگان اول مه بشود.

جرم کارگران دستگیر شده چیزی جز دفاع از خواستهای برحق توده کارگران و توده مردمی که به زیر خطر فقر رانده شده اند نیست. میتوان و باید در اعتراض و مبارزه برای آزادی آنان خواست افزایش دستمزدها را با تاکید و قدرت بیشتری مطرح کرد. باید تاکید کرد که دستمزد و قدرت خرید واقعی کارگران در سال ۹۳، حتی بنا به آمار رسمی خود حکومت، نه تنها افزایش پیدا نکرده بلکه به نسبت نرخ تورم تنزل یافته است. افزایش حداقل دستمزد به دو میلیون تومان و افزایش سالیانه دستمزدها بنا به نرخ واقعی تورم خواستی است که چهل هزار کارگر آنرا به نمایندگی از کل توده های کارگر و زحمتکش اعلام کرده اند. و اول مه روز تاکید مجدد بر این خواست پایه ای کارگران بود. درهمه اطلاعیه ها و پیام های نهادهای کارگری به مناسبت اول مه خواست افزایش دستمزد در صدر مطالبات کارگران قرار داشت. خواست آزادی زندانیان سیاسی نیز از مفاد دیگر بیانیه های کارگری بود. اکنون مبارزه برای افزایش دستمزدها با مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه عجین شده است. جنبش افزایش دستمزدها با اعلام خواست آزادی فوری و بیقید و شرط همه دستگیر شدگان اول مه، همه فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی، دور تازه ای از تعرض خود را آغاز خواهد کرد.

**جنایات هم سنخان جمهوری اسلامی در نیجریه!**

جنایت مدهش سازمان اسلامی بوکو حرام در نیجریه خبر داغ رسانه ها در هفته گذشته بود. این سازمان تروریستی ٢۷٣ دانش آموز دختر را دزدیده و در صدد فروش آنها بعنوان برده جنسی در کشورهای همسایه نیجریه است. ابوبکر شیکاو رئیس این سازمان اعلام کرده است این دختران باید بجای مدرسه رفتن ازدواج کنند! او گفته است از طرف الله ماموریت دارد که این دختران را بفروش برساند! بوکو حرام در زبان محلی به معنی "آموزش غربی حرام" است.

بوکو حرام یک سازمان تروریستی اسلامی در یک کشور آفریقائی است که ظاهرا ربط چندانی به آیت الله های حاکم در ایران ندارد، اما وجه مشترک اسلامی این دو مرزهای جغرافیائی را در می نوردد. اخلاقیات مردسالارانه، زن ستیزی و تلقی از زنان به عنوان برده و کالای جنسی مردان، و ضدیت با تمدن و فرهنگ پیشرو و مترقی امروزی تحت لوای ضدیت با غرب وجه مشترک بوکو حرام و جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی در همه جای دنیاست. جمهوری اسلامی نماینده تمام و کمال این خصوصیات است. سیاستها و قوانین و اقدامات جمهوری اسلامی نظیر حجاب اجباری، ازدواج با دختران نه ساله و فحشای اسلامی رایج تحت لوای صیغه و تعدد زوجات ، تلاش حکومت برای محدود کردن رشته های تحصیلی و ورزشی زنان، مقابله با "هجمه فرهنگی غرب" و غیره در مضمون و محتوای خود از همان جنس "ربودن دختران دانش آموز برای مصون داشتن آنان از آموزش غربی" توسط تروریستهای بوکو حرام است. جمهوری اسلامی شاخه بقدرت رسیده جنبش مافوق ارتجاعی اسلامی است. با سرنگونی این حکومت ریشه بوکو حرام ها نیز خواهد خشکید.

**در جمهوری اسلامی همه متهمین " اشتباها" اعدام میشوند!**

طبق آمار رسمی در آمریکا چهار در صد اعدامی ها بیگناه هستند یعنی اشتباها محکوم و اعدام شده اند. مسلما در جمهوری اسلامی، با توجه به فساد دستگاه قضائی و اعمال نفوذ باندهای حکومتی، این رقم بسیار بالاتر از چهار درصد است، اما تمام فاجعه این نیست. در جمهوری اسلامی "اشتباه" در خود سیستم قضائی و قوانین شرعی است. در آمریکا از جمله با استفاده از تکنولوژی امروزی نظیر آزمایش دی. ان. ای. متوجه میشوند که برخی از محکومیتها در گذشته اشتباه بوده است. اما در جمهوری اسلامی نیازی به بررسی مجدد پرونده ها بر اساس دی. ان. ای. نیست. مساله در اینجا سیستم قضائی عهد عتیق است و نه عقب ماندگی تکنولوژیک. تکنولوژی جنایت را خوب یاد گرفته اند. دست و پای مردم را با اره برقی قطع میکنند و بجای دار از جرثقیل استفاده میکنند و چاله سنگسار را هم با بیل الکتریکی حفر میکنند، اما قوانین و قضاوتشان همچنان مبتنی بر انتقامجوئیهای عشیرتی در جوامع بدوی است.

در جمهوری اسلامی نه تنها نود درصد اعدامیها بلکه اکثریت محکومین به هر کیفری بیگناه هستند. اثبات این امر نیازی به آزمایش دی. ان. ای. ندارد. قانون مجازات اسلامی خود گویا ترین سند جنایاتی است که هر روزه در دادگاهها و زندانهای جمهوری اسلامی اتفاق می افتد!

**جمهوری اسلامی و مشکل لاعلاج "تهاجم فرهنگی غرب"!**

"متاسفانه ما تهاجم فرهنگی غربی‌ها را پذیرفته‌ایم، ... باید از طریق صدا و سیما، مدارس، دانشگاه‌ها، روزنامه‌ها و...، فرهنگ پوشش اسلامی برای جوانان تبیین شود." مکارم شیرازی

سی و پنج سال است تلاش میکنند فرهنگ اسلامی را به زور سرنیزه و گشت ارشاد و نهی از منکر و دیگر دار و دسته های اوباش اسلامی "برای جوانان تبیین کنند" و نمیتوانند. جامعه فرهنگ پوسیده و کپک زده اسلامی را نمی پذیرد.

آنچه فسیلهای حکومتی تحت عنوان فرهنگ غربی مورد حمله قرار میدهند فرهنگ پیشرو امروزی است. موزیک و فیلم و هنر و فلسفه و علم و تمدن "غربی" در واقع آخرین دستاورهای فرهنگ و تمدن بشریت است که بعد از قرون وسطی از غرب سر بلند کرد. امروز فرهنگ مادی غرب، الکتریسیته و اتومبیل و کامپیوتر و اینترنت و تلفن و تلویزیون و غیره، تمام وجوه مادی زندگی بشر در تمام کره ارض را در بر گرفته است. اینها دستاوردهای یک کشور و یا منطقه معین در دنیا نیست، بلکه حاصل و دستاورد فرهنگ بشری از چین و مصر و یونان باستان تا به امروز است که در چند صد سال اخیر در غرب به اوج رشد و شکوفائی خود رسیده است.

حکومتهای قرون وسطائی نظیر جمهوری اسلامی عملا قادر نیستند در برابر دستاوردهای مادی غرب بایستند، اما وقتی نوبت به علم و هنر و فلسفه و تفکری که به این دستاوردها منجر شده است میرسد هزار و چهارصدسال به عقب میجهند. اسلام مانند همه مذاهب دیگر ناگزیر شده است به سنگر اخلاقیات و معنویات و بقول خامنه ای "عرصه علوم انسانی و اجتماعی" عقب بنشیند. تلاش میکنند کیان اسلام را در عرصه هائی که بطور عینی و مادی ارتجاع و کپک زدگیش عیان و قابل اندازه گیری نیست حفظ کنند.

اما مردم ایران مانند مردم سراسر دنیا در قرن بیست و یک و با معیارها و ارزشهای جوامع امروزی زندگی میکنند و جهان بینی و هنر و سلیقه و تفکرشان را نه از فرهنگ پوسیده اسلامی بلکه از همان فرهنگی میگیرند که علم و تکنولوژی امروز را در اختیار آنان قرار داده است. آنچه کل موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر انداخته است نه تهاجم فرهنگی غرب بلکه ارزشهای جهانشمول فرهنگ و تمدن انسانی قرن بیست و یکم است.\*